

Received:
24 May 2025Revised:
14 July 2025Accepted:
15 July 2025Published:
22 June 2025
P.P: 115-141ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743

An Analysis of Cultural Policymaking in the Sphere of Iranian Women during the Second Pahlavi Era Based on U.S. Embassy Documents in Tehran¹

Mona Malekpour² | Seyed Mehdi Mousavinejad³

DOR: 20.1001.1.28210247.1404.5.2.4.7

Abstract

The infiltration of colonial perspectives into modern Iran with the aim of reshaping the form and substance of individual and collective Iranian life represents one of the most significant contemporary challenges facing Iranian society. Among various audiences and areas of intervention, the issue of women and the effort to influence this foundational segment of society-held particular importance. Accordingly, this article seeks to explore the overt and covert dimensions of U.S. cultural intervention in Iran during the Second Pahlavi era, specifically in the domain of women's affairs. Utilizing the method of thematic analysis and grounded in the theoretical framework of public policymaking, the study examines classified documents from the former U.S. Embassy in Tehran. The core research question is: How did the United States attempt to redefine the role and identity of Iranian women through cultural policymaking, and how are these efforts reflected in the U.S. Embassy documents (the so-called "Den of Espionage" files)? The findings suggest that U.S. cultural policy toward Iranian women was primarily designed through elite women, cultural and educational institutions, media, and behavioral modeling. These policies aimed to socially engineer a redefinition of the Iranian woman's role in line with Western patterns. While these interventions did affect the lifestyles and cultural orientations of certain segments of Iranian women in the short term, they also provoked significant social and religious resistance. Ultimately, such policies contributed to the deep mistrust toward the United States that prevailed in the years leading up to the Islamic Revolution. This study underscores the importance of understanding the cultural dimensions of foreign policymaking and the role of civil society in responding to external interventions.

Keywords: Contemporary Iranian history, women's studies, Iran-U.S. relations, U.S. Embassy documents (Den of Espionage)

¹ This article is extracted from the master's thesis entitled "U.S. Cultural Policymaking in the Sphere of Women during the Second Pahlavi Era, Based on Documents from the U.S. Embassy (Den of Espionage)", completed for the Master's degree in Islamic Revolution History at the Faculty and Research Institute of Culture and Soft Power, Imam Hossein Comprehensive University.

² Corresponding Author: Master's degree in Islamic Revolution History, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. reza_jams_18@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of History and Islamic Revolution Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. mousavinia.smahdi@gmail.com

Cite this Paper: Malekpour, M., Mousavinia, M. (2025). Analysis of Cultural Policy in the Domain of Iranian Women during the Pahlavi II Era with a Focus on the U.S. Embassy Espionage Documents. *American Strategic Studies*, 5(2), 115-141. doi: 10.47176/asr.2025.1316

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

صص: ۱۴۱-۱۱۵

شابا چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم با تمرکز بر اسناد لانه جاسوسی آمریکا منا ملک‌پور^۱ | سیدمهدی موسوی‌نیا^۲

چکیده

ورود دیدگاه‌های استعماری به ایران معاصر به منظور ایجاد تغییر در صورت و سیرت زندگی فردی و جمعی ایرانیان، یکی از مهم‌ترین مسائل معاصر جامعه ایرانی است که توسط بازیگران متعددی از جمله ایالات متحده آمریکا دنبال شده است. اما از میان مخاطبین و موضوعات مختلف، مسأله زنان و تأثیرگذاری بر این قشر جامعه‌ساز بسیار اهمیت داشته است. لذا این مقاله در پی واکاوی ابعاد پنهان و آشکار مداخلات فرهنگی ایالات متحده در ایران عصر پهلوی دوم در حوزه زنان است که با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و با تکیه بر چارچوب نظری سیاست‌گذاری عمومی، اسناد طبقه‌بندی‌شده سفارت سابق آمریکا در تهران را مورد بررسی قرار داده است. پرسش اصلی تحقیق حاضر آن است که: ایالات متحده چگونه از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان تلاش داشته تا نقش و هویت زن ایرانی را بازتعریف کند و این تلاش‌ها چه بازتابی در اسناد لانه جاسوسی داشته است؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در حوزه زنان ایرانی، عمدتاً در بستر زنان نخبه، نهادهای فرهنگی و آموزشی، رسانه و الگوهای رفتاری طراحی شده بود و تلاش داشت از طریق مهندسی اجتماعی به بازتعریف نقش زن ایرانی مطابق با الگوهای غربی بپردازد. این مداخلات گرچه در کوتاه‌مدت بر سبک زندگی و الگوهای فرهنگی برخی زنان تأثیر گذاشت، اما با واکنش و مقاومت‌های اجتماعی و مذهبی همراه شد و در نهایت به یکی از عوامل بی‌اعتمادی گسترده نسبت به آمریکا در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی تبدیل گردید. این مطالعه بر اهمیت فهم ابعاد فرهنگی، سیاست‌گذاری خارجی و نقش جامعه مدنی در واکنش به آن تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ معاصر ایران، مطالعات زنان، ایران و آمریکا، اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

^۱ نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

reza_jams_18@yahoo.com

^۲ استادیار گروه تاریخ و معارف انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

mousavinia.smahdi@gmail.com

استناد: ملک‌پور، منا و موسوی‌نیا، سید مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم با تمرکز بر اسناد لانه جاسوسی آمریکا. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲(۵)، ۱۴۱-۱۱۵. doi: 10.47176/asr.2025.1316



مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم، ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی، سیاست‌هایی را در جهت تأمین منافع راهبردی خود در کشورهای پیرامونی دنبال کرد. در این میان، ایران دوره پهلوی دوم به‌عنوان یکی از کشورهای کلیدی در منطقه غرب آسیا، جایگاه ویژه‌ای در راهبردهای فرهنگی آمریکا یافت. یکی از حوزه‌های مورد توجه در این سیاست‌گذاری، حوزه زنان بود که از سوی ایالات متحده به‌عنوان بستری مناسب برای پیشبرد پروژه مدرن‌سازی اجتماعی و گسترش نفوذ نرم فرهنگی تلقی می‌شد. تحلیل محتوای اسناد سفارت سابق آمریکا در تهران - که پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان اسناد لانه جاسوسی منتشر شدند - نشان می‌دهد که ایالات متحده از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی، در پی اجرای سیاست‌هایی در حوزه آموزش، رسانه، سبک زندگی و نهادهای اجتماعی بود که هدف آن تغییر نقش و جایگاه اجتماعی زنان ایرانی در جهت الگویی خاص از زن مدرن غربی بود.

با وجود انجام برخی پژوهش‌ها درباره دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران، همچون مطالعاتی که به فعالیت انجمن ایران و آمریکا یا روابط فرهنگی دو کشور در دهه‌های میانی قرن بیستم پرداخته‌اند، مسئله زنان در این سیاست‌ها کمتر به‌صورت مستقل و دقیق بررسی شده است. از سوی دیگر، تحلیل این سیاست‌ها در چارچوب نظری سیاست‌گذاری عمومی نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش تلاش گردیده تا چگونگی سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده در دوره پهلوی دوم در حوزه زنان ایران و نیز روش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری زنان ایرانی مورد استفاده قرار گرفته، بررسی شود و با توجه به نقش کلیدی زنان در فرآیند تغییرات اجتماعی و فرهنگی، بررسی این مسئله می‌تواند گرهی از فهم عمیق‌تر سیاست‌های فرهنگی خارجی در ایران آن دوره بگشاید. در این راستا از روش تحلیل مضمون و چهارچوب سیاست‌گذاری عمومی استفاده شده است. همچنین با توجه به اهمیت روزافزون نقش زنان در تحولات اجتماعی ایران، توجه گسترده سیاست‌های فرهنگی کشورهای خارجی به این حوزه و کمبود پژوهش‌های تحلیلی و کاربردی در خصوص نحوه تأثیرگذاری سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده بر زنان ایرانی به‌ویژه در دوره پهلوی دوم، انجام پژوهش حاضر ضرورت

داشته تا از طریق بررسی دقیق و عمیق مبحث فوق ضمن شناخت تاریخچه این سیاست‌ها امکان طراحی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی منطبق بر واقعیات فراهم گردد. و اینچنین به نظر می‌رسد که این سیاست‌ها نه تنها در پی مدرن‌سازی ظاهری بودند، بلکه هدفی راهبردی در بازسازی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران در راستای منافع آمریکا را دنبال می‌کردند.

همچنین اهمیت این پژوهش در آن است که با تمرکز بر اسناد لانه جاسوسی - به عنوان منابع دست اول و کمتر تحلیل شده - کوشیده است از منظری نو به موضوعی پردازد که هم از حیث تاریخ‌نگاری سیاست‌گذاری فرهنگی و هم در حوزه مطالعات زنان در ایران معاصر اهمیت دارد. این پژوهش در صدد شناسایی و تحلیل سیاست‌های فرهنگی ایالات متحده در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم است؛ سیاست‌هایی که با هدف تغییر نقش و هویت زنان ایرانی از زن مسلمان سنتی به زن مدرن غربی طراحی و اجرا شدند.

در تحقیق پیش‌رو تلاش گردیده تا به این سؤال اصلی پرداخته شود که ایالات متحده چگونه از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان تلاش داشته تا نقش و هویت زن ایرانی را بازتعریف کند و این تلاش‌ها چه بازتابی در اسناد لانه جاسوسی داشته است؟

۱- پیشینه تحقیق

در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی در دوره پهلوی دوم مطالعاتی صورت گرفته است و با توجه به ترکیب خاص موضوع این پژوهش - یعنی تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم بر اساس اسناد لانه جاسوسی - تاکنون تحقیق مستقیمی که تمامی این مؤلفه‌ها را به صورت یکجا بررسی کرده باشد، یافت نشده است. با این حال، می‌توان پیشینه موجود را در سه حوزه مرتبط بررسی کرد: نخست، آثاری که به تحلیل جایگاه زنان در دوران پهلوی دوم اشاره داشته‌اند؛ دوم پژوهش‌هایی که به بررسی دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در ایران پرداخته‌اند؛ و سوم، مطالعاتی که با اتکا به اسناد لانه جاسوسی به تحلیل سیاست‌های آمریکا در ایران پرداخته‌اند که در ادامه، مهم‌ترین آثار در این سه حوزه مرور می‌شود. برای مثال، پژوهش رستمی و جهانبخش ثواب (۱۳۹۸) با عنوان «اجتماعی شدن زنان در عصر پهلوی» به این مبحث پرداخته است که،

اقداماتی در عصر پهلوی برای تغییر سبک زندگی اجتماعی و فرهنگ زنان ایرانی صورت پذیرفته است و این تلاش‌ها از مظاهر مدرن‌سازی محسوب می‌شده و مسائلی در همین راستا در آموزش زنان مطرح شد و بدون توجه به واقعیت‌های موجود در جامعه تلاش‌هایی برای ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی صورت پذیرفت. و یا حسام الدین آشنا (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران: انجمن ایران- آمریکا» با تکیه بر اسناد به بررسی و بازشناسی اهداف و سیاست‌های درازمدت فرهنگی ایالات متحده در پنج محور پرداخته و سپس مهم‌ترین تشکیلات و ابزارهای سازمانی دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران را بررسی کرده است. این سازمان‌ها که شامل سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و عمومی است بیشترین نقش را در اجرایی کردن اهداف و سیاست‌های فرهنگی آمریکا در ایران بر عهده داشته است که البته در پژوهش ذکر شده به مباحث مربوط به زنان به‌طور اخص پرداخته نشده است. همچنین فتحی و رشیدپور (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» به بررسی روابط فرهنگی ایران و آمریکا طی دهه اول حکومت محمدرضا می‌پردازد و مسائل مربوط به آن دوره را مورد بررسی قرار می‌دهد که باز هم به‌طور خاص به مباحث مربوط به زنان پرداخته نشده است. همچنین عظیمی کیا و بیگدلو (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران بر اساس اسناد سفارت سابق آمریکا در ایران» با رجوع به اسناد لانه، به بررسی دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران پرداخته‌اند که در این اثر نیز به صورت مستقیم به مباحث مربوط به زنان پرداخته نشده است. بنابراین وجه نوآوری پژوهش حاضر توجه توأمان به مسأله بسیار مهم زنان در جامعه ایرانی و اسناد لانه جاسوسی آمریکا است. این پژوهش با تمرکز بر اسناد لانه جاسوسی آمریکا و استفاده از روش تحلیل مضمون در چارچوب الگوی سیاست‌گذاری عمومی کوشیده است تا از زاویه‌ای متفاوت به تحلیل جهت‌گیری‌های فرهنگی در حوزه زنان در دوره پهلوی دوم بپردازد که به نظر می‌رسد در میان مطالعات داخلی کمتر به آن توجه شده است.

۲- روش‌شناسی

در پژوهش حاضر از روش تحلیل مضمون برای بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم بهره گرفته شده است. روش تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از پرکاربردترین

روش‌های کیفی، با تمرکز بر استخراج مضامین معنادار از داده‌های متنی، برای تحلیل داده‌هایی چون اسناد، مصاحبه‌ها، متون تاریخی و... مناسب است (فراسخواه، ۱۴۰۱: ۶۱). در این روش، محقق با تکرار مطالعه متن، کدهایی مفهومی استخراج کرده و سپس آن‌ها را در قالب مضامین فرعی و اصلی طبقه‌بندی می‌کند (خاکی، ۱۳۹۴: ۸۳). در این پژوهش، اسناد مورد تحلیل، برگزیده‌ای از مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا هستند که در قالب ۱۱ جلد منتشر شده‌اند و با توجه به حجم گسترده این اسناد، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. معیارهای انتخاب اسناد عبارت بوده‌اند از:

۱. اسنادی که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به زنان، سیاست فرهنگی، رسانه، آموزش و سبک زندگی مرتبط هستند؛

۲. اسنادی که از نظر تاریخی، به ویژه متعلق به دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) باشند؛
۳. اسنادی که در آن‌ها ردپای تحلیل و ارزیابی آمریکا از سیاست‌های فرهنگی در ایران وجود داشته باشد.

لذا از میان اسناد، تعدادی سند کلیدی انتخاب و تحلیل شده‌اند. واحد تحلیل، جملات یا بندهای معنادار مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه زنان است و به منظور سازمان‌دهی یافته‌ها، مضامین استخراج‌شده در قالب مدل سیاست‌گذاری عمومی دسته‌بندی شده‌اند.

با توجه به توضیحات ارائه شده، تحقیق پیش‌رو با بهره‌گیری از ادبیات سیاست‌گذاری فرهنگی و مبتنی بر هدف اصلی پژوهش، به دنبال تحقق این سه هدف فرعی می‌باشد:

اول، نگاه فرهنگی آمریکا به ایران و چرایی آن؛ دوم چگونگی و روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در ایران منطبق بر اسناد لانه جاسوسی؛ و سوم تحلیل سیاست‌ها بر مبنای مدل سیاست‌گذاری عمومی.

۳- چارچوب نظری

مطالعه سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده در ایران، به‌ویژه در حوزه زنان، مستلزم بهره‌گیری از چارچوبی تحلیلی است که بتواند ابعاد مختلف فرایند سیاست‌گذاری را در بستر تاریخی و بین‌المللی روشن سازد. در این پژوهش، مدل مراحل سیاست‌گذاری عمومی^۱ به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. این مدل با تفکیک فرایند سیاست‌گذاری به مراحل مجزا، امکان بررسی

^۱ Stage of public policy

سیستماتیک نحوه شکل‌گیری، تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، می‌توان سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده را نه صرفاً به مثابه مداخله‌ای خارجی، بلکه به عنوان فرایندی هدفمند، منسجم و متکی بر ابزارهای قدرت نرم تحلیل کرد.

سیاست‌گذاری عمومی یکی از حوزه‌های بنیادین علوم سیاسی و مدیریت دولتی است که به فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح کلان می‌پردازد. مدل‌های گوناگونی برای تحلیل سیاست‌گذاری ارائه شده‌اند که از میان آن‌ها، مدل پنج‌مرحله‌ای به دلیل ساختار تحلیلی روشن و قابلیت انطباق با موضوعات اجتماعی و فرهنگی، از پرکاربردترین الگوها محسوب می‌شود (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۲۸). این پنج مرحله شامل موارد زیر است:

۱- دستورکارگذاری^۱: در این مرحله، مسائل اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی به سطح توجه تصمیم‌گیران می‌رسد. فرآیندی که در آن برخی مسائل برجسته و برخی نادیده گرفته می‌شوند. رسانه‌ها، نخبگان، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای رسمی، بازیگران اصلی این مرحله‌اند؛

۲- تدوین سیاست^۲: شامل طراحی و ارزیابی گزینه‌های سیاستی برای حل مسئله است؛ با تکیه بر مطالعات کارشناسی، تجارب پیشین و تحلیل هزینه-فایده؛

۳- اتخاذ سیاست^۳: نهادهای تصمیم‌گیر-مانند قوه مجریه یا مقننه-از میان گزینه‌های موجود، یک یا چند سیاست را تصویب می‌کنند، چانه‌زنی سیاسی و منافع گروهی در این مرحله تعیین‌کننده‌اند؛

۴- اجرای سیاست^۴: در این مرحله، سیاست تصویب‌شده توسط ساختارهای اجرایی عملیاتی می‌شود. موفقیت این مرحله به تخصیص منابع، هماهنگی نهادها و پذیرش بدنه اجرایی وابسته است؛

۵- ارزیابی سیاست^۵: در این مرحله پیامدهای اجرایی سیاست با اهداف اولیه سنجیده شده و اصلاحات لازم پیشنهاد می‌شود (اشتریان، ۱۴۰۲: ۲۷-۳۸).

این چارچوب، به‌ویژه در تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی، امکانی فراهم می‌آورد تا نشان دهیم چگونه قدرت‌های فرادست از طریق ابزارهای فرهنگی، معانی خاصی را به جامعه تحمیل کرده و

^۱ Agenda Setting

^۲ Policy Formulation

^۳ Policy Implementation

^۴ Policy Implementation

^۵ Policy Evaluation

سلطه هژمونیک خود را حفظ می‌کنند. سیاست‌گذاری فرهنگی در این معنا، عرصه‌ای است برای ستیز و رقابت میان معانی و هویت‌های متعارض؛ نقطه‌ای که سیاست و فرهنگ به‌طور مستقیم با یکدیگر تلاقی می‌کنند (بیگدلو، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

از منظر مفهومی، سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان مجموعه‌ای از کنش‌های آگاهانه دولت دانست که بر اساس توافق رسمی نخبگان و متصدیان فرهنگی، مسیر حرکت جامعه در حوزه فرهنگ را جهت‌دهی می‌کند. این سیاست‌گذاری، خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی را با هدف تحقق ابعاد چهارگانه توسعه فرهنگی - شامل میراث فرهنگی، مشارکت فرهنگی، همکاری فرهنگی و هویت فرهنگی - طراحی می‌نماید. به عبارتی، سیاست‌گذاری فرهنگی تلاشی است برای قانونمند کردن تولید و توزیع محصولات فرهنگی و همزمان، ابزاری برای مدیریت و مهندسی فرهنگی جامعه (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰).

با اتکا به همین چارچوب نظری می‌توان نشان داد که در ایران پهلوی دوم، سیاست‌گذاری فرهنگی نه صرفاً بر اساس تحولات درونی، بلکه در پیوند تنگاتنگ با روابط خارجی، به‌ویژه تحت تأثیر نفوذ ایالات متحده، صورت می‌گرفت. رژیم پهلوی با هدف بازتولید سلطه سیاسی خود، از سیاست فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای نوسازی فرهنگی به سبک غربی استفاده می‌کرد. دولت با تکیه بر نهادهایی مانند آموزش و پرورش، رسانه‌ها، نظام حقوقی و هنر، به ترویج ارزش‌های مدرن غربی پرداخت و در این میان، با توجه به نقش برجسته زنان در خانواده و سهم بسزایی که در جهت‌دهی به گرایش‌های فرهنگی هر جامعه‌ای دارند، در بسیاری از تبلیغات و اقدامات دولت، زنان به‌عنوان گروه‌های هدف قرار گرفته می‌شدند (بیگدلو، ۱۳۹۱: ۱۹).

بررسی اسناد لانه جاسوسی نیز مؤید آن است که ایالات متحده، ضمن شناخت از این ظرفیت، کوشید از ابزارهایی چون رسانه‌ها، محتوای آموزشی و الگوهای مصرف، در راستای جهت‌دهی به سیاست‌های فرهنگی ایران در حوزه زنان بهره گیرد.

۴- گام اول: نگاه فرهنگی آمریکا به ایران و چرایی آن

به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلا‌ی اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را از

طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ترغیب به همکاری کنند (کاوه‌پیشه و میرزا، ۱۳۹۹: ۲۰). بر مبنای این تعریف آمریکا نیز از زمانی که دکترین مونروئه^۱ را کنار گذاشت و در صدد تسلط بر جهان برآمد، دیپلماسی فرهنگی را به عنوان یکی از پایه‌های سیاست خود در راستای نیل به اهداف امپریالیستی‌اش برگزید. این درحالی است که تا پیش از جنگ جهانی دوم که سیاست انزوایابی را در پیش گرفته بود، روابط فرهنگی‌اش با ایران چندان توسعه یافته نبود؛ هرچند که در آن دوران نیز فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی گسترده‌ای را در ایران صورت داده بود؛ اما پس از جنگ، به منظور حفظ و گسترش منافع ملی‌اش تلاش کرد تا از راه‌های مختلف از جمله ایجاد تغییر در ساختار اداری، علمی و آموزشی کشور به نقوذی پایدار در ایران دست یابد. پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز روابط سیاسی و فرهنگی آمریکا با ایران وارد دوره تازه‌ای شد. مهم‌ترین تحول در این زمان استفاده کردن از پیشینه فرهنگی گذشته برای پیشبرد اهداف سیاسی بود (فتحی و رشیدی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

بر اساس اصل چهار ترومن نیز که پس از جنگ جهانی دوم و با شروع جنگ سرد و گسترش پیدا کردن نفوذ کمونیسم در سطح جهان به تصویب رسیده بود و بر سه حوزه کشاورزی، بهداشت و فرهنگ تأکید می‌کرد تلاش می‌شد تا با جذب قشرهای تحصیل کرده ایرانی، گروهی از تکنوکرات‌ها برای همکاری با آمریکائیان تربیت شوند که این گروه از نظر فرهنگی در افزایش گرایش جامعه ایرانی به سوی الگوهای جامعه غربی آمریکایی موثر باشند (نعمتی، ۱۳۹۴: ۸۸). اساساً یکی از اهداف اصلی ترومن تغییر فرهنگ جامعه ایرانی به فرهنگ مصرفی بود و طی این اصل در راستای ایجاد تغییر فرهنگ و شیوه زندگی ایرانیان تلاش می‌شد (مهام، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

همچنین از ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ م سفارت آمریکا با تأسیس بخش فرهنگی و مطبوعاتی، در صدد گسترش روابط فرهنگی با ایران برآمد و در همین دوره انجمن روابط ایران و آمریکا حوزه فعالیت‌های خود را در ایران گسترش داد و همزمان بنیادهای فرهنگی بخش خصوصی آمریکا از جمله فورد، کارنگی و راکفلر فعالیت‌های فرهنگی خود را در ایران توسعه دادند. که همین عوامل فرهنگی به حسن روابط و گسترش نفوذ آمریکا در ایران کمک کرد. علاوه بر آن از ۱۳۲۵ با تأسیس

^۱ دکترین مونروئه در سال ۱۸۲۳ م از سوی دولت آمریکا اعلام شد و در ابتدا مربوط به روابط آمریکا و اروپا بود. این دکترین بر اصل پرهیز از مداخله مستقیم قدرت‌های خارجی در امور کشورهای دیگر تأکید داشت.

اداره اطلاعات اخبار و مبادلات فرهنگی سفارت در ایران، آمریکا فعالیت‌های فرهنگی خود را در ایران گسترش داد. آمریکا نفوذ سیاسی خود را با پشتوانه فرهنگی گسترش می‌داد و هیئت‌های متعدد اعزامی از آمریکا به ایران فعالیت خود را در قالب بنیان‌ها و برنامه‌های خصوصی و عمومی به انجام می‌رساندند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۳).

در واقع دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران راهگشایی برای نیل به مقاصد سیاسی و اقتصادی بود و اسناد لانه جاسوسی آمریکا نیز موید این مطلب می‌باشد. اساساً مبنای استیلای غرب بر ایران، فکری و فرهنگی بوده و غرب از طریق همین استیلای فکری و فرهنگی، استیلای اقتصادی و در نهایت سیاسی خود را بر بخش قابل توجهی از جهان اسلام محقق کرده است (سیاوشی و بیاتلو، ۱۳۹۷: ۳۱۵).

ایالات متحده می‌خواست نظم اقتصادی بین‌المللی جدیدی را بنا نهد. از انزوای دهه ۱۹۳۰ م/ ۱۳۱۰ ش فاصله گرفته و جلوی بحران‌های اقتصادی شدید را بگیرد. با اتخاذ اقداماتی حرکت آزاد سرمایه اعم از مواد خام یا کالای ساخته شده در سطح جهانی را تامین و تضمین کند و مانع از آن شود که دنیا به بلوک بندی‌های تجاری انحصاری قبل از جنگ برگردد (فوران، ۱۳۹۹: ۴۰۷-۴۰۶). و در این راه از دیپلماسی فرهنگی بهره جست.

به‌طور کلی آنچه باعث می‌شد تا قدرت‌های خارجی علاقه خاصی نسبت به ایران داشته باشند موقعیت استراتژیک ایران میان روسیه و خلیج فارس بود. دنیای سرمایه‌داری می‌توانست با از دست دادن نفت ایران زنده بماند اما یک دولت ضد سرمایه‌داری در ایران که بر تمامی منطقه نفت خیز خلیج فارس اثر خواهد گذاشت برای آنان خطری مرگبار بود و این همان امری بود که باعث دخالت مستقیم آمریکا در امور سیاسی و جامعه ایران شد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۲).

هر چند که از اهمیت منابع نفتی خلیج فارس برای آمریکا نیز نمی‌توان چشم پوشی کرد. چنانچه در اوت ۱۹۴۳/ مرداد ۱۳۲۲ کاردل هال وزیر خارجه نامه‌ای به رئیس جمهور فرانکلین روزولت نوشت و منافع آمریکا در ایران را به اختصار و بی‌پرده برشمرد؛ وی پس از ارائه دلایل اخلاقی و انسانی برای حضور آمریکا در ایران برای خنثی کردن جاه‌طلبی‌های روس و انگلیس چنین ادامه می‌دهد. «همچنین اگر با خودخواهی بیشتر به مطلب بنگریم منافع ما در این خواهد بود که هیچ یک

از قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس در برابر تشکیلات نفتی آمریکا در عربستان حضور نداشته باشند» (بیل، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۶).

در مجموع، اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا، نشان می‌دهند که اهمیت ایران برای ایالات متحده در دوره پهلوی دوم، ناشی از مجموعه‌ای از عوامل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ایدئولوژیک بوده است. این عوامل، در قالب نیاز به کنترل منابع انرژی، مقابله با نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، حفظ خطوط ارتباطی راهبردی و پیشبرد پروژه‌های نوسازی اجتماعی جهت تثبیت دولت‌های همسو، قابل طبقه‌بندی هستند که همانا فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی راهی برای تحقق آنان بود. خلاصه این یافته‌ها در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول-۱. دلایل اهمیت ایران برای ایالات متحده بر اساس اسناد لانه جاسوسی آمریکا

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی آمریکا
D1	موقعیت جغرافیایی استراتژیک	اهمیت اصلی ایران به موقعیت مهم جغرافیایی آن، جایگاهش در حکم تولید کننده عمده نفت و کشوری دارای ذخایر گازی
D2	نفت و منابع انرژی	عظیم، وابستگی شدید برخی از هم‌پیمانان اصلی ما و هم‌چنین وابستگی کمتر ما به نفت ایران و نقش نوظهور ایران در رهبری منطقه خلیج فارس به طور اخص و در منطقه به طور اعم است
D3	رهبری در منطقه خلیج فارس	(اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۲۹۱)
D4	حمایت ظاهری از آزادی و استقلال ایران به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی سایر سیاست‌های منطقه‌ای	آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم نسبت به ایرانی آزاد و با ثبات و مستقل خود را متعهد می‌داند. استقلال ایران برای حراست از آزادی ملل دیگر در خاورمیانه حیاتی است. پنجاه درصد نفت مصرفی جهان از طریق تنگه هرمز در قسمت جنوبی ایران عبور می‌کند. به خاطر اهمیت ایران از نظر امنیت منطقه خلیج، آینده خاورمیانه و تولید نفت، ما به ایرانی آزاد، با ثبات و مستقل شدیداً علاقمند هستیم (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۳۲)
D5	ثبات ایران کلید امنیت انرژی و منطقه خلیج فارس	
D6	نقش واسطه‌ای میان شوروی و شبه جزیره عربستان	موقعیت استراتژیک ایران، منابع نفت و گاز و نفوذ سیاسی آن بر دیگر کشورهای منطقه به صورت لاینفک به این معنی است

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی آمریکا
D7	تأمین نفت اروپا و ژاپن (حتی اگر مصرف مستقیم آمریکا کم باشد)	که عمران و بهبود وضع ایران بر بعضی از منافع خاص آمریکا و هم‌پیمانان ما در پیمان ناتو تأثیری مستقیم دارد. ایران در رأس منطقه بین شوری و شبه جزیره نفتی در عربستان واقع است.
D8	نقش ایران در تعیین قیمت نفت در اوپک	در عین حال که آمریکا تنها پنج درصد نفت این کشور را برداشت می‌کند؛ ولی ایران مهم‌ترین عرضه کننده نفت ژاپن و اروپای غربی است. و مهم‌ترین عنصر موجود در اوپک، در زمینه تعیین قیمت نفت است. علاوه بر این، این کشور در پیشبرد عمران صلح‌آمیز و استقلال کشورهای حوزه خلیج فارس و محدود ساختن نفوذ شوروی در این منطقه بحرانی نقش منطقه‌ای بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بالاخره ایران محل استقرار بعضی از تجهیزات اطلاعاتی بسیار منحصربه فرد آمریکایی است؛ که تکثیر و یا تغییر مکان آن‌ها امری بسیار دشوار است (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۸۱۹-۸۲۰)
D9	ایران ابزار مهار نفوذ شوروی و تثبیت نظم سرمایه‌داری در منطقه	
D10	ایران محل استقرار تجهیزات اطلاعاتی منحصر به فرد آمریکا در منطقه	
D11	نقش حیاتی نفت ایران برای متحدان آمریکا و اروپا	نفت ایران از اهمیت خارق‌العاده‌ای برخوردار است اگر به طور مستقیم به ما مربوط نباشد؛ به هم‌پیمانان اروپایی و ژاپنی ما ارتباط دارد. ایران دارای موقعیت استراتژیکی است. هفتاد درصد نفت کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) و پنجاه درصد نفت مصرفی کشورهای غیر کمونیست از تنگه هرمز می‌گذرد ایران هم‌چنین یک خریدار عمده محصولات صنعتی و کشاورزی آمریکایی است. و امکاناتی در سرزمین ایران به ما این امکان را داده که تابعیت شوروی از قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای را تحت نظر قرار دهیم. سرانجام قدرت ایران را به عنوان یک نیرو در حفظ ثبات منطقه دیده‌ایم (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۲۰)
D12	اهمیت تنگه هرمز در انتقال انرژی	
D13	ایران بازار مصرف محصولات آمریکایی	
D14	ایران به عنوان شریک اطلاعاتی در کنترل فعالیت‌های شوروی و ثبات منطقه	
D15	اهمیت دسترسی به بنادر، آسمان‌ها و تسهیلات اطلاعاتی برای عملیات‌های نظامی و تجاری	ما نیاز مبرم به دسترسی به راه هوایی ایران و ترکیه که واسطه میان اروپا و شرق برای هواپیماهای نظامی و تجاری ما می‌باشد و نیز به بنادر ایران جهت کشتی‌های نیروی دریایی و بازرگانی خود داریم. همین‌طور آب و هوای ایران مناسب سرمایه‌گذاری

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی آمریکا
D16	ایران به عنوان یک مکان مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	بخش خصوصی ایالات متحده است (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۹۶-۴۰۰)

با توجه به انتخاب روش تحلیل مضمون در تحلیل داده ها، می‌توان مضامین متناظر برگرفته از مضامین اولیه را به صورت زیر دسته بندی نمود:

جدول-۲. محورهای اصلی دلایل اهمیت ایران برای ایالات متحده آمریکا

مضامین اصلی	مفاهیم پایه
ژئوپلیتیک برجسته ایران	D1/D3/D4/D5/D6
ایران به عنوان اهرم نظارت و کنترل شوروی	D9/D10/D14/D15
ظرفیت ایران در تأمین انرژی	D2/D7/D8/D11/D12
ایران به مثابه مبدأ و مقصد کالای آمریکایی (تأمین مواد خام و بازار فروش)	D13/D15/D16

بررسی دلایل اهمیت ایران برای ایالات متحده در دوره پهلوی دوم نشان می‌دهد که سیاستگذاران آمریکایی، با ادراک جایگاه راهبردی این کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی، به دنبال تثبیت نفوذ خود در لایه‌های مختلف حیات اجتماعی ایران بودند. این ضرورت به طور خاص، زمینه‌ساز تدوین و اجرای سیاستگذاری‌های فرهنگی شد که یکی از محورهای آن معطوف به تغییر جایگاه اجتماعی زنان بود. در ادامه و به تفصیل، ابعاد مختلف این سیاستگذاری فرهنگی در حوزه زنان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۵- گام دوم: چگونگی و روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در ایران منطبق بر اسناد لانه جاسوسی آمریکا

در راستای سیاستگذاری فرهنگی ایالات متحده در قبال ایران، اسناد سفارت سابق آمریکا در ایران نشان می‌دهد که تغییرات فرهنگی، به‌ویژه در حوزه زنان، یکی از حوزه‌های این سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. تحلیل این اسناد حاکی از آن است که آمریکا ارتقاء جایگاه اجتماعی و آموزشی زنان را به عنوان راهبردی برای تسریع روند مدرنیزاسیون و تقویت ساختارهای سیاسی مطلوب در

ایران تلقی می‌کرد. در واقع، از منظر سیاست‌گذاران آمریکایی، تغییر الگوهای سنتی نقش‌های جنسیتی و گسترش مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، به افزایش مشروعیت حکومت پهلوی و کاهش زمینه‌های نفوذ ایدئولوژی‌های رقیب کمک می‌کرد.

این سیاستگذاری‌های فرهنگی در حوزه زنان در چندین محور اصلی قابل طبقه‌بندی است: ترویج آموزش دختران، ترغیب مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، تضعیف نقش‌های سنتی خانوادگی و گسترش الگوبرداری از سبک زندگی غربی.

در عین حال، اسناد حاکی از آن است که این سیاست‌ها در قالب پروژه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای، و با بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزاری سیاستگذاری همچون اعزام مشاوران آموزشی، تأسیس مراکز آموزشی ویژه زنان و حمایت از برنامه‌های هنری و رسانه‌ای با محوریت زنان پیگیری می‌شد. جدول (۳) ابعاد مختلف سیاستگذاری فرهنگی ایالات متحده در حوزه زنان ایران، بر مبنای اسناد لانه، را به صورت خلاصه ارائه می‌کند:

جدول-۳. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی آمریکا در قبال ایران

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E1	ترویج سبک زندگی آمریکایی	ایستگاه تلویزیون آمریکا در اینجا (ایران) واقعاً کار تبلیغاتی موثری برای ایالات متحده انجام می‌دهد و برنامه‌هایی که از تلویزیون آمریکا پخش می‌شود؛ بدون شک تأثیر تبلیغاتی مثبتی بر اذهان بینندگان ایرانی خواهد داشت. این برنامه‌ها تبلیغات خوبی برای دولت آمریکا و شیوه زندگی آمریکایی بود. برنامه‌های خانوادگی مثل «شوی دنی تامس» حقایق جالب و جذابی درباره شیوه زندگی آمریکایی نشان می‌دهد (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۱۱: ۵۸۴)
E2	ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به فرهنگ آمریکایی	
E3	رسانه ابزار نفوذ فرهنگی	
E4	نفوذ در جامعه نخبگانی به واسطه ابزار رسانه	توسعه پیدا کردن نمایش‌های فرهنگی ایالات متحده اثر مساعدی در جامعه اندیشمندان ایرانی خواهد داشت (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۲۶)
E5	تحصیل‌کردگان غرب ابزار تضمین اهداف	استادان متعدد آموزش دیده در دانشگاه‌های آمریکا می‌توانند نیروی لازم جهت چرخش برنامه‌ها را تامین نمایند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۷۵۲)

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E6	بهره‌گیری از زنان برای پیشبرد سیاست‌های فرهنگی	در اکتبر ۱۹۶۸ فرخ رو پارسا به وزارت آموزش و پرورش منصوب گردید. انتصاب اولین زن در کابینه منعکس‌کننده ترقی وضعیت زنان در ایران و توجه روزافزون کشور به سیستم آموزشی است. وزیر جدید در گردهمایی‌های متعدد بین‌المللی شرکت نموده است. او مدت زیادی عضو شورای عالی جمعیت زنان بود همچنین پارسا به‌عنوان رئیس جمعیت زنان آموزگار و فدراسیون جمعیت زنان خدمت کرده است. او در سمینارهایی در مورد حقوق زنان در اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۶۳، یونان ۱۹۵۸، آلمان غربی و ایتالیا شرکت نمود. در سال ۱۹۶۰ در پی دعوت آموزشی اداره اطلاعات آمریکا او از ایالات متحده بازدید کرد و در سال ۱۹۶۱ از طریق بورس معلمی برنامه فولبرایت به آمریکا رفت. دوران وزارت وی صادقانه میل دارد سطح آموزش و پرورش را در کشور بالا برد. یکی از نشانه‌های امیدوارکننده، اتکای شدید وی به یکی از معاونین خود که تحصیل‌کرده آمریکاست و امور تحقیق و برنامه‌ریزی را بر عهده گرفته است و تنها شخص منصوب وی در سطح معاونت است می‌باشد. رابط دست‌چین وی با سفارت از دوستان بسیار صمیمی او و یکی از زنان آموزش دیده AID (برنامه مساعدت‌های آمریکا) و طرفدار آمریکاست (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۴۲۵)
E7	واسطه‌گری نخبگان زن در انتقال ارزش‌های آمریکایی	
E8	ارتباط با نهادهای آمریکایی	
E9	آموزش دیده نهادهای آمریکایی	
E10	اعتماد به نیروهای آموزش دیده آمریکا	
E11	پروژه نخبه سازی فرهنگی با سرمایه گذاری هدفمند (بورسیه، تحصیل، ارتباط)	«داریوش همایون به‌عنوان رئیس سندیکای روزنامه نگاران ممکن است در عین حال نفوذ فزاینده‌ای داشته باشد؛ همایون تحصیل‌کرده آمریکاست و در هاروارد و در پی بورسی که توسط بیل میلر برای او فراهم شده است درس خوانده و علاقمند به حفظ تماس با ما می‌باشد.» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۰)
E12	تربیت و حمایت از نخبگان رسانه‌ای	
E13	استفاده از نخبگان آشنا به فرهنگ آمریکا در آموزش عالی	دکتر جهان‌شاه صالح در ۱۹۶۳ م به سمت ریاست دانشگاه تهران برگزیده شد و همچنین به سمت ریاست دانشگاه پزشکی انتخاب شد. صالح که پزشکی دارای تحصیلات آمریکایی است تلاش داشته است تا در ایران روش‌های تدریس آمریکایی را مورد استفاده قرار دهد. وی در اولین دوره ریاست

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E14	تلاش برای پیاده سازی روش های تدریس آمریکایی	دانشکده پزشکی تمام برنامه های درسی دانشکده مذکور را تغییر داد وی با استفاده از جنبه ها و مفاهیم آمریکایی به ادامه کار پرداخت. (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۵۶۳)
E15	اصلاح برنامه های درسی با رویکردی آمریکایی	
E16	نفوذ ساختار آمریکا در حوزه آموزش عالی	
E17	هدایت هدفمند جوانان ایرانی به موسسات منتخب در آمریکا	کوشش قابل ملاحظه ای باید به عمل آید تا جوانان ایرانی تنها به موسسه هایی در ایالات متحده بروند که می تواند به دانشجویان بیگانه تعلیم و تربیت خوبی بدهند. این کار از طریق اصلاح کار مشاوره در ایران و همچنین اقدام در واشنگتن برای تامین اینکه تنها موسسات واجد شرایط با معیارهای عالی دانشگاهی اجازه داشته باشند دانشجوی خارجی بپذیرند، عملی است. بنابراین از وزارت امور خارجه مصرأ خواسته می شود تا در فهرست موسسات قابل قبول تجدید نظر کند و آن موسسات را که شایستگی آن ها مورد شک است از فهرست حذف کنند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۲۵)
E18	آموزش عالی ابزار سیاست گذاری فرهنگی نرم	
E19	گسترش شبکه های فرهنگی آمریکا در سراسر ایران	یکی از مهم ترین پیوندهای ارتباطی نهادی ما با ایرانیان چه در تهران و چه در شهرستان ها در قبل از انقلاب، مرکزی به نام انجمن ایران و آمریکا بوده است. ما معتقد هستیم ادامه فعالیت این نهادها در چنین دوران پرتنش (پیروزی انقلاب) در روابط ایران و آمریکا بسیار اهمیت دارد. این نهاد اکنون تنها پنجره های باز ما برای شنوندگان و مخاطبان ایرانی است (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۰).
E20	استفاده از نهادهای فرهنگی به عنوان ابزار سیاست گذاری فرهنگی	
E21	اهمیت تداوم فعالیت های فرهنگی حتی در دوران بحران	
E22	نقش انجمن به عنوان یک نهاد خصوصی در بهبود روابط دو کشور	

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E23	تمرکز بر تبادل فرهنگی از طریق کلاس‌های زبان، کتاب‌خانه، جلسات مشترک	کتابخانه و جلسات ملاقات و کلاس‌های انگلیسی، برای ایرانیان و کلاس‌های فارسی برای آمریکاییان حفظ کند و بهتر سازد. اگرچه انجمن ایران و آمریکا یک سازمان دولتی آمریکایی نیست ولی سفارت آمریکا از اهداف انجمن پشتیبانی به عمل آورده و معتقد است که این همکاری‌ها باعث تفاهم بیشتر بین دو کشور خواهد شد (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۷۲)
E24	حمایت سفارت از فعالیت‌های انجمن	
E25	تاکید بر توسعه آموزش زبان انگلیسی و کتاب‌خوانی به عنوان ابزار سیاست فرهنگی	موسسه روابط بین‌المللی آمریکا در ایران باید کتابخوانی و تعلیمات زبان انگلیسی را که بسیار نیز از آن قدردانی شده است بهبود ببخشد و در پی فرصتی باشد تا علاقه همدردی‌آمیز آمریکا را نسبت به اسلام و رفاه مردم ایران نشان دهد. و از نهادهای چون کمیسیون فولبرایت و موسسه آمریکایی مطالعات ایرانی حمایت نماید (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۰۹)
E26	نمایش چهره همدل آمریکا نسبت به اسلام	
E27	نقش موسسات آموزشی در سیاست‌گذاری فرهنگی	
E28	نفوذ تدریجی و ملایم با ابزارهای فرهنگی	فعالیت‌های درون کشوری ملایم چون تعلیم زبان انگلیسی، ایجاد کتابخانه آزاد، مشاوره دانشجویی و ادامه تماس با اشخاص مهم تهیه نشریات در هفته یکبار یا ماهانه که بر اهمیت سیاست بین‌المللی و آمریکا و رابطه آن با ایران تاکید دارد. نوع کارهایی هستند که می‌توانیم انجام دهیم (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۱).
E29	تسخیر ذهن نخبگان	

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E30	تمرکز بر نخبگان کمتر آشنا با آمریکا به عنوان نسل موثر آینده	سازمان ارتباطات بین‌المللی از دیرباز عنصر مهمی در روابط ایران و آمریکا بوده است و روش‌ها و برنامه‌های خود را با ایران و تغییرات آن به خوبی تطبیق داده و سعی دارد توجه خود را از اهداف قبلی خویش که همان نخبگان ماهر و عموماً تحصیل کرده آمریکا می‌باشند منحرف ساخته و به حضاری که کمتر با آمریکا آشنا بوده ولی به تدریج بر رویدادهای ایران در ۵ تا ۱۰ سال آینده تاثیر خواهند گذاشت معطوف نماید. در این حرکت در حال تقویت عنصر فارسی برنامه‌های خویش می‌باشد. و در صدد است تا، فیلم‌هایی را به زبان فارسی به نمایش در بیاورد، از متخصصین آمریکایی برای سخنرانی در زمینه باستان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ ایران دعوت به عمل آورد، اقداماتی در دست اجرا است تا بخشی از برنامه‌های صدای آمریکا به زبان فارسی پخش شود؛ این برنامه‌ها طوری ترتیب داده شده تا پایگاه تماس سازمان ارتباطات بین‌المللی گسترش یافته و با هدف کلی این سازمان یعنی افزایش سطح ارتباط دوجانبه با مردم سازگار شود. یک مطلب دیگر مورد توجه این سازمان، دانشجویان ایرانی هستند که عازم آمریکا می‌باشند و آنان به شمار ایرانیان تحصیل کرده که با آمریکا آشنا بوده و از آن هواداری خواهند کرد اضافه می‌شوند؛ و این مطلب ارزشمندی است. همچنین روابط گسترده‌ای بین نهادهای ایرانی و آمریکایی ایجاد شده که عامل عمده آن نیز سازمان ارتباطات بین‌المللی و اسلاف آن بوده است جهت‌گیری و تاکید برنامه‌های سازمان ارتباطات بین‌المللی در برنامه کشوری هماهنگ با اهداف آمریکا در ایران است. سفیر نیز در تهیه این برنامه شخصاً مشارکت و توجه داشته تا به این ترتیب حوزه تماس‌های سازمان گسترش یابد. (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۸۷۶)
E31	توسعه برنامه‌های فرهنگی - آموزشی به زبان فارسی برای جذب عموم مردم	
E32	سخنرانی‌های تاریخی و باستان‌شناسی ابزار سیاست‌گذاری فرهنگی	
E33	گسترش ارتباطات میان نهادهای ایرانی و آمریکایی	
E34	مشارکت مستقیم سفارت در طراحی محتوای برنامه‌های آموزشی	

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E35	مهندسی فکری از درون ساختار دیپلماتیک	سفارتخانه در تهران یک «بانک فکری» مرکب از متصدیان غیر ارشد را احضار کرده تا این مسئله را که چه کاری باید برای برقراری تماس موثرتر با جوانان ایرانی انجام داد بررسی کرده و نظرات خود را در مورد مسیر آینده کمیته جوانان سفارتخانه ارائه دهد (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۹۸)
E36	برنامه ریزی نسلی و نخبگانی برای تغییر فرهنگ	
E37	هم‌سویی ساختار قدرت داخلی با اهداف فرهنگی آمریکا	شاه پیشنهاد کرده که ایالات متحده برنامه‌های فرهنگی خود را از جمله دیدار ارکسترها و گروه‌های رقص و موسیقی‌دانان و... برای مقابله با تعرض شوروی را گسترش دهد. (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۲۶)
E38	بهره‌گیری از ابزار نرم برای نفوذ فرهنگی	
E39	سرمایه‌گذاری فرهنگی برای اقناع نخبگان	توسعه پیدا کردن نمایش‌های فرهنگی ایالات متحده اثر مساعدی در جامعه اندیشمندان ایرانی خواهد داشت. و اداره اطلاعات آمریکا درصدد است که حداقل در سه دانشگاه ایران یعنی دانشگاه تهران، پهلوی شیراز و مشهد مرکز مطالعات آمریکایی را راه اندازی کند. همچنین درصدد تعیین مامورین جوان اداره اطلاعات آمریکا برای تحصیل تمام وقت در دانشگاه تهران به پیروی از الگوی آمریکایی لاتین با رسالت اصلی تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی دانشجویان در جهتی مساعد برای سیاست‌های ایالات متحده است. همچنین به دنبال توسعه مرکز دانشجویی انجمن ایران و آمریکا در جنب دانشگاه تهران است که این مرکز دانشجویی موفقیت برجسته‌ای داشته و بهترین تربیون تبلیغاتی برای اندیشمندان دیدارکننده آمریکایی است. همچنین درصدد ایجاد
E40	نهادسازی برای ایجاد شناخت و تصویر مطلوب از آمریکا	

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E41	نفوذ نرم و تدریجی در بستر تعامل علمی و دانشجویی	کردن مراکز دانشجویی مشابه در شیراز و مشهد نیز می‌باشد. و نیز درصدد است در تبریز که تنها شهر دانشگاهی مهم در ایران است که فاقد اطلاعات آمریکا و کتابخانه BNC می‌باشد یک کتابخانه اداره اطلاعات آمریکا ایجاد کند. بخش تولید فیلم مستند اداره اطلاعات آمریکا، درصدد توسعه فعالیت‌های خود می‌باشد. همچنین تلاش می‌شود نشریه پژوهنده را که وابسته به اداره اطلاعات آمریکا می‌باشد و در آن مقالاتی که در مجلات آمریکایی منتشر می‌شوند تجدید چاپ می‌شوند تیراژش دو برابر شود. در پایان سند به این نکته اشاره شده است که البته قابل قبول است که محدودیت‌های مالی ممکن است مانع به مورد اجرا گذاشتن بسیاری از توصیه‌های فوق شود؛ ولی مسئله اهمیت دارد و هنگامی که تمامی منافع ما در ایران در نظر گرفته شود هزینه اقدامات جدید پیشنهادی نسبتاً زیاد نیست (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۶۰۲)
E42	استفاده از انجمن ایران آمریکا برای شبکه‌سازی فرهنگی	
E43	تکمیل نقشه جغرافیایی نفوذ فرهنگی	
E44	رسانه ابزار گسترش فرهنگ آمریکایی	
E45	توجیه اقتصادی برای تداوم سرمایه‌گذاری فرهنگی	
E46	هدف‌گیری نخبگان زن برای نفوذ فرهنگی	مهرانگیز منوچهریان یک وکیل است و در طرح ریزی برنامه‌های خانوادگی خیلی فعال می‌باشد. او گاهی منبع اطلاعاتی عالی در مورد امور مربوط به زنان بوده است. او خیلی به سفارت علاقه‌مند است. همسر حسام الدین رضوی نیز در وزارت آموزش عالی کار می‌کند و در امور مربوط به زنان خیلی فعال است. خانم مهدوی نیز از آنجا که، در دانشگاه پلی تکنیک مسئول کتابخانه است؛ به عنوان فردی مناسب محسوب می‌گردد که منبع اطلاعات

کد	مضامین پایه	اسناد لانه جاسوسی
E47	استفاده از کنشگران فعال برای پیشبرد دستور کارها	خوبی در مورد دانشجویان و فعالیت‌های دانشجویی است؛ پس باید مورد توجه قرار گیرد. خانم ناهید بیات هم به‌طور واضح یکی از آن افرادی است که بایستی پرورش داده شود. خانم هما (روحی) سرلاتی نیز در دمیدن روح به سازمان زنان خیلی فعال بوده است و منبع اطلاعاتی خیلی عالی در تحولات امور مربوط به زنان محسوب می‌شود و مشتاق به ملاقات با آمریکایی‌هاست. وسفارت کارش را در رابطه تماس با او به خوبی انجام خواهد داد (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۶-۳۸۶).
E48	تلاش برای تربیت منابع انسانی همسو	
E49	نفوذ سبک زندگی غربی در میان نسل جوان	واقعیت این است که فرزندانمان سعی دارند مانند آمریکایی‌ها لباس به تن کنند؛ وی افزود این امر موجب رنجش خاطر ایرانی‌های مسن‌تر و سنی‌تر می‌شود و هنگامی که فرزندان خود را در شلوار جین و با موهای بلند می‌بینند سوال می‌کنند که چرا عادات بد آمریکایی‌ها را جذب می‌کنید (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۷۶۰).
E50	نمادسازی فرهنگی از طریق ظواهر روزمره	
E51	جهت دهی سیاست‌های داخلی از بیرون	ما باید کشورهای در حال توسعه را برای برخورد قاطع‌تر با رشد افراطی جمعیت متعهد کنیم؛ و نیز طی دو سال آینده تلاش‌هایمان را در رابطه با کنترل جمعیت بهبود ببخشیم تا حمایت کشورهای در حال توسعه از طرح خانواده و برنامه‌های دیگر بیشتر شود و تحقیقات داخلی خود را در مورد روش‌های ضد بارداری که با سهولت بیشتری در کشورهای در حال توسعه استفاده شوند افزایش دهیم و نهادهای چند جانبه دست‌اندرکار چون unfair، سازمان بهداشت جهانی، undp و بانک جهانی تقویت شوند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۰۰).
E52	عادی سازی کنترل جمعیت از طریق اقناع فرهنگی	
E53	استفاده از ساختارهای بین المللی جهت پیشبرد منافع استراتژیک	

براساس آنچه که از تحلیل اسناد لانه پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکاییان در دوره پهلوی دوم به دست آمد، می‌توان اینچنین عنوان کرد که این سیاست‌ها شامل موارد زیر است:

جدول شماره ۴- محوره‌های اصلی سیاست‌های فرهنگی آمریکا در قبال ایران

مضامین اصلی	مضامین پایه
نفوذ نرم فرهنگی از طریق سبک زندگی، رسانه و نهاد سازی	E1/E2/E3/E4/E12/E19/S20/E21/E23/E24/E25/E26/E28/E1/E32/E33/D34/D35/D37/D38/D40/E42/E43/E44/E45/E49/E50
مهندسی اجتماعی و جمعیتی با ابزارهای بهداشتی، آموزشی و نهادی	E1/E52/E53
شناسایی و بهره‌برداری از نخبگان و شبکه سازی اطلاعاتی	E6/E7/E29/E30/E36/E39/E47/E48
نفوذ در ساختارهای آموزشی و تربیتی در سطوح مختلف	E5/E8/E9/E10/E11/E13/E15/E16/E17/E18/E27/E41

مطالعه اسناد نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در ایران عصر پهلوی دوم، به‌طور مشخص بر بازتعریف جایگاه اجتماعی زنان، تأثیرگذاری بر فرآیند هویت‌یابی جنسیتی و مهندسی اجتماعی نقش زن در جامعه ایرانی متمرکز بوده است. این سیاست‌ها با تمرکز بر مدیریت فرهنگی نخبگان زن، نفوذ در فرآیندهای جامعه‌پذیری زنان، ترویج سبک زندگی غربی و استفاده از زنان به‌عنوان واسطه‌های فرهنگی طراحی و اجرا شده‌اند. در این میان، چهره‌هایی همچون مهرانگیز منوچهری، ناهید بیات، هما سرلاتی و دیگران، به‌عنوان ابزارهای فرهنگی و منابع اطلاعاتی معرفی شده‌اند که توانسته‌اند نقش کلیدی در کانال‌های ارتباطی میان نهادهای رسمی آمریکایی و جامعه نخبگانی زنان ایفا کنند.

از سوی دیگر، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که نوعی رویکرد ایجابی در جهت ترویج مدل زن غربی و حذف تدریجی عناصر بومی، مذهبی و سنتی از هویت زن ایرانی در سیاست‌گذاری فرهنگی دنبال می‌شده است. نمونه‌هایی چون تأکید بر کنترل جمعیت از طریق زنان، حمایت از برنامه‌های خانواده، آموزش به سبک آمریکایی و ترویج سبک پوشش غربی، بیانگر رویکردی مداخله‌گر و هدفمند است که در چارچوب سیاست‌های فرهنگی سلطه و مهندسی فرهنگی جنسیتی قابل تحلیل است.

بنابراین، اسناد فرهنگی به‌وضوح بیانگر آن هستند که سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در ایران دوره پهلوی دوم، نه‌تنها ناظر بر تغییر سبک زندگی و باورهای زنان بوده، بلکه با هدف بازتعریف هویت زن ایرانی مطابق با الگوی مطلوب غربی دنبال شده است. این سیاست‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های هویتی، گفتمان‌های مقاومت و در نهایت تحولات انقلابی در عرصه زنان بوده‌اند.

۶- گام سوم: تحلیل سیاست‌ها بر مبنای مدل سیاست‌گذاری عمومی

با توجه به ماهیت نظام‌مند و مرحله‌مند سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده، می‌توان فرآیند مداخله آمریکا در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم را در چارچوب نظری مراحل سیاست‌گذاری عمومی تحلیل کرد. به‌کارگیری این مدل، امکان فهم دقیق‌تر از نحوه طرح مسئله، تدوین، اتخاذ و اجرا و ارزیابی سیاست‌ها را فراهم می‌آورد. از آنجا که زنان در این دوره به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف برای تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی ایالات متحده تلقی می‌شدند، بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی این کشور در حوزه زنان با تکیه بر این چارچوب تحلیلی، تصویری منسجم‌تر از راهبردهای فرهنگی سلطه و سازوکارهای اعمال آن به دست می‌دهد. در ادامه، هر مرحله با استناد به مضامین و کدهای پیش‌تر استخراج‌شده، به‌صورت تحلیلی تبیین می‌گردد:

۶-۱- شناسایی مسئله

در این مرحله، سیاست‌گذاران آمریکایی جایگاه سنتی زنان ایرانی را یکی از موانع اصلی در مسیر مدرنیزاسیون، تثبیت نظم سیاسی مطلوب و مهار ایدئولوژی‌های رقیب تلقی کرده‌اند (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۷۳). این نگاه در اسناد به‌صراحت منعکس شده است؛ از جمله نگرانی از نقش تربیتی زنان سنتی (E49، E50) و پیامدهای آن بر حفظ فرهنگ مذهبی و مقاومت‌های اجتماعی. همچنین در تحلیل‌های کلان‌تر (D1 تا D6)، موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌گونه‌ای تبیین می‌شود که فرهنگ سنتی و ساختارهای مذهبی تهدیدی برای منافع ایالات متحده ارزیابی می‌شوند. بنابراین، از دید آنان، بازتعریف نقش زنان ابزاری برای تضمین ثبات و پیشرفت در چارچوب الگوی آمریکایی بود.

۶-۲- تدوین سیاست

در این مرحله، طراحی برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی متناسب با شناخت زمینه‌ها صورت می‌گیرد. مضامین E6 تا E10 نشان می‌دهند که آمریکا با تمرکز بر نخبگان زن، اعزام بورسیه، آموزش در آمریکا، و انتصاب چهره‌هایی چون فرخ‌رو پارسا در نظام آموزشی، به تدوین سیاست‌هایی دست زده که از یک‌سو مشروعیت فرهنگی حکومت پهلوی را تقویت کند و از سوی دیگر نقش‌های جنسیتی را به نفع الگوی زن مدرن غربی بازتعریف نماید. از سوی دیگر، توسعه زبان انگلیسی (E25)، تأسیس مراکز مطالعات آمریکایی (E41)، و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی متعدد (E26)، E27، E31 نشان‌دهنده تدوین سیاست‌هایی هدفمند در راستای تغییر تدریجی افکار و الگوهای رفتاری است.

۶-۳- اتخاذ و اجرای سیاست

اجرای سیاست‌ها در سطح میدانی و فرهنگی، با بهره‌گیری از ابزارهای نرم انجام گرفته است. مضامینی چون حمایت از رسانه‌ها و سریال‌های تلویزیونی آمریکایی (E1، E3، E44)، راه‌اندازی نهادهای فرهنگی نظیر انجمن ایران و آمریکا (E19 تا E24) و نفوذ در نظام آموزش عالی از طریق تغییر روش تدریس، محتوای درسی و اعزام استادان آموزش دیده در غرب (E13 تا E16) نشان‌دهنده یک اجرای چندلایه و هماهنگ است. همچنین توجه به نسل جوان، هدایت دانشجویان به مؤسسات منتخب در آمریکا (E17) و گسترش شبکه‌های فرهنگی (E30، E39) مؤید آن است که اجرای سیاست نه صرفاً از طریق دولت، بلکه با اتکا به نهادهای اجتماعی و کنشگران غیردولتی صورت گرفته است.

۶-۴- ارزیابی سیاست

در اسناد، نشانه‌هایی از ارزیابی روندها و نتایج دیده می‌شود. برخی اسناد (مانند ج ۱، ص ۷۳) بیانگر نارضایتی از سرعت پایین تغییرات فرهنگی و مقاومت اجتماعی در برابر سبک زندگی غربی هستند. نگرانی از بازگشت برخی زنان تحصیل کرده به ارزش‌های اسلامی و گرایش به فرهنگ بومی نیز مطرح شده است. این بازخوردها نشان‌دهنده آن است که اگرچه برخی سیاست‌ها از نظر آماری موفق بودند (مثل افزایش آموزش دختران یا حضور نخبگان زن در دولت)، اما از منظر هویتی و فرهنگی با موانع جدی مواجه شدند.

به منظور انسجام بیشتر، می‌توان تطبیق مراحل سیاست‌گذاری عمومی با مضامین تحلیلی را در جدول زیر خلاصه کرد

جدول-۵. تطبیق مراحل سیاست‌گذاری با مضامین تحلیلی

مرحله سیاست‌گذاری	مضامین مربوطه	تحلیل
شناسایی مسئله	D1/D4/D5/E49/E50	آمریکا موقعیت زنان سنتی را مانع مدرنیزاسیون دانست و از طریق تحلیل شرایط اجتماعی و رسانه‌ها مسئله را تعریف کرد.
تدوین سیاست	E6/E7/E14/E25/E26	راهبردهای متنوعی چون استفاده از نخبگان، اصلاح آموزش، ترویج زبان انگلیسی و سبک زندگی آمریکایی تدوین شد.
اجرای سیاست	E1/E3/E16/E19/E41	اجرای سیاست‌ها از طریق رسانه، نهادهای آموزشی، انجمن ایران و آمریکا و برنامه‌های دانشجویی صورت گرفت.
ارزیابی سیاست	جلد ۱۰ اسناد صفحه ۷۳	ارزیابی نشان داد که با وجود برخی موفقیت‌ها، مقاومت بومی و نارضایتی از کندی تغییر، محسوس بود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش اصلی که سیاست‌گذاری فرهنگی ایالات متحده در حوزه زنان ایران در دوره پهلوی دوم چگونه صورت‌بندی و اجرا شده است، تلاش کرد با بهره‌گیری از مدل مراحل سیاست‌گذاری عمومی و روش تحلیل مضمون اسناد لانه جاسوسی آمریکا، روند تدوین، اجرا و ارزیابی این سیاست‌ها را واکاوی کند.

در گام نخست، با تکیه بر اسناد، مشخص شد که ایران به دلایل ژئوپلیتیکی، فرهنگی و جمعیتی، جایگاهی راهبردی در سیاست‌های کلان ایالات متحده در منطقه غرب آسیا داشت و به‌ویژه حوزه زنان، بستری مناسب برای اعمال سیاست‌های نرم و مدرن‌سازی فرهنگی تلقی می‌شد.

در گام دوم، روش‌های آمریکا برای مداخله در حوزه زنان، شناسایی شد؛ از جمله بهره‌گیری از نهادهای آموزشی، رسانه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد و تربیت نخبگان زن غرب‌گرای ایرانی برای تغییر تدریجی هویت، نقش و سبک زندگی زنان.

در گام سوم، با استفاده از مدل سیاست‌گذاری عمومی، نشان داده شد که ایالات متحده چگونه از مرحله شناسایی مسئله تا ارزیابی، به‌صورت نظام‌مند و مرحله‌مند، به سیاست‌گذاری فرهنگی در

حوزه زنان پرداخته و در هر مرحله اهداف و ابزارهای خاصی را به کار گرفته است. تحلیل یافته‌ها نشان داد که ایالات متحده، زنان ایرانی را نه صرفاً به عنوان موضوعی فرهنگی یا اجتماعی، بلکه به مثابه عاملی راهبردی در ساخت نظم فرهنگی و سیاسی مطلوب خود در ایران تلقی می‌کرد. در مرحله شناسایی مسئله، نقش‌های سنتی و مذهبی زنان مانع نوسازی اجتماعی و عامل تقویت گفتمان‌های ضدغربی تشخیص داده شد. در مرحله تدوین سیاست، برنامه‌هایی برای تضعیف الگوهای سنتی و تقویت هویت زن مدرن غربی طراحی شد که محور آن‌ها نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی بود. در مرحله اجرا، با استفاده از نهادهای میانجی (مانند انجمن ایران و آمریکا)، نخبگان زن تربیت شده در غرب، و برنامه‌های آموزشی خاص، این سیاست‌ها عملیاتی گردید. نهایتاً در مرحله ارزیابی، علیرغم برخی دستاوردهای ظاهری مانند افزایش مشارکت آموزشی زنان، اسناد حاکی از نارضایتی از سرعت کند تغییرات فرهنگی و ظهور مقاومت‌های اجتماعی گسترده هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری فرهنگی آمریکا در حوزه زنان، بخشی از یک راهبرد کلان برای مهندسی اجتماعی ایران بود؛ راهبردی که با تکیه بر ابزارهای نرم قدرت، تلاش می‌کرد نظم فرهنگی مطلوب غرب را در بستر جامعه ایران مستقر سازد. با این حال، این سیاست‌ها به دلیل نادیده گرفتن زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی ایران، با واکنش‌های مقاومتی گسترده‌ای مواجه شدند و در نهایت یکی از عوامل بی‌اعتمادی اجتماعی نسبت به آمریکا در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی را شکل دادند.

با توجه به نتایج این پژوهش، لازم است سیاست‌گذاران فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران ضمن بازخوانی انتقادی تجربه نفوذ فرهنگی غرب در گذشته، به طراحی راهبردهایی پردازند که بر تقویت هویت اسلامی-ایرانی زنان، بازسازی الگوهای بومی جامعه‌پذیری و هوشیاری نسبت به ابزارهای نفوذ فرهنگی تأکید دارد. همچنین توسعه سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر مشارکت فعال زنان در چارچوب ارزش‌های بومی، می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و مقاومت فرهنگی در برابر پروژه‌های سلطه نرم بین‌المللی کمک کند.

فهرست منابع

- اشترینان، کیومرث. (۱۴۰۲). نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی. تهران؛ نشر میزان
- اشترینان، کیومرث. (۱۳۸۱). روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران؛ نشر کتاب آشنا.
- بیگدلو، رضا. (۱۳۹۷). جریان‌های فرهنگی ایران معاصر ۱۳۵۷-۱۳۴۰. تهران؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- بیگدلو، رضا. (۱۳۹۱). کشاکش دولت و نیروهای مذهبی در مورد قوانین و جایگاه زنان در دوره پهلوی دوم. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۶ (۱۱)، ۱۷-۳۴.
- بیل، جیمز. (۱۳۷۱). شیر و عقاب روابط بدفرجام ایران و آمریکا. ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی)، تهران؛ فاخته.
- پهلوان، چنگیز. (۱۳۵۸). فرهنگ و برنامه‌ریزی. تهران؛ پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۴). روش تحقیق در مدیریت (با رویکرد پیمایشی). تهران؛ انتشارات فوژان.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۱ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۲ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۳ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۴ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۵ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۶ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۷ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۸ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۹ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۱۰ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی. جلد ۱۱ تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- سیاوشی، مهدی و حسین بیاتلو. (۱۳۹۷). استیلای تمدنی جهان غرب بر ایران و مصر. تهران؛ دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- طباطبایی، محمدحسن. (۱۳۸۰). نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران. تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- عظیمی کیا، عباس و رضا بیگدلو. (۱۳۹۷). تحلیل دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران بر اساس اسناد سفارت آمریکا در تهران، گنجینه اسناد، ۲۸ (۱۱۱)، ۳۲-۶۳.
- فتحی، کوروش و احمد رشیدپور. (۱۳۸۵). روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. فصلنامه تاریخ روابط خارجی. ش ۲۹ (۳)، ۱۹۷-۲۳۵.
- فراسنخواه، مسعود. (۱۴۰۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه گراند تئوری. تهران؛ نشر آگاه.
- فوران، جان. (۱۴۰۱). تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی (مقاومت شکننده). ترجمه احمد تدین، تهران؛ موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قزوینیان، جان. (۱۴۰۰). تاریخ روابط ایران و آمریکا. ترجمه سعید هدایت جو، علی فیض‌اللهی، تهران: نشر نیماژ.
- کاوه پیشه، محمدکاظم و هدا میرزا. (۱۳۹۹). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. فصلنامه دانشنامه علوم سیاسی ۱ (۱)، ۴۸-۱۹.
- ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات سمت.
- مهام، محمود. (۱۳۹۷). اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۹ (۱)، ۱۵۸-۱۵۱.
- نعمتی، نورالدین. (۱۳۹۴). روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم. چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
- هالیدی، فرد. (۱۳۸۵). ایران: دیکتاتوری و توسعه. ترجمه علی طلوعی و محسن یلفانی، تهران: علم.

